

کالبدشناسی مذاکره هسته ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و

تصویب قطعنامه ۲۲۳۱

حییب اله ابوالحسن شیرازی

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۴/۱/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۳/۲۷)

چکیده

توافق هسته ای ایران و کشورهای ۱+۵ در وین در ۲۳ تیرماه ۹۴ به عنوان یک روز تاریخی در تاریخ روابط بین الملل محسوب می شود. موفقیت مذاکرات هسته ای میان تهران و کشورهای ۱+۵ نمونه ای از اهمیت و پافشاری نسبت به سیاست و دیپلماسی بین المللی به شمار می رود و اساس ثبات در منطقه خواهد بود و می توان این توافق را یک پیروزی برای دیپلماسی توصیف کرد. پس از دو سال مذاکره، توافقی بلندمدت بین ایران و کشورهای ۱+۵ در خصوص فعالیت های هسته ای ایران و لغو تحریم های ایران حاصل شد. شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴) با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را مورد تأیید قرار داد. قطعنامه شورای امنیت اجازه انتقال تجهیزات مرتبط هسته ای خاص از ایران، تغییر دو آبخار در تاسیسات فردو و به روزرسانی راکتور اراک را می دهد. این قطعنامه علاوه بر این اجازه انتقالات و فعالیت های لازم برای اجرای تعهدات مرتبط هسته ای خاص تعیین شده در برجام را بلامانع می داند. شورای اتحادیه اروپا هم با انتشار بیانیه ای اولین اقدامات حقوقی که به صورت رویه هایی مکتوب برای آغاز اجرای برنامه جامع اقدام مشترک درآمده را تصویب نمود.

دیدگاه ها درباره مواد توافق هسته ای مختلف است، غرب آن را توافقی خوب و عادلانه توصیف کرده و ایران معتقد است این توافق در پاسخ به خواسته ملت صورت گرفته است اما اسرائیل این توافق را به رسمیت نشناخته است. به طوری که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل این توافق را یک اشتباه تاریخی دانسته است. کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ابراز نگرانی کرده اند که این توافق نوعی پوشش بین المللی برای فعالیت های هسته ای ایران است.

واکنش‌ها به این توافق مختلف است و در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از آن استقبال کرده‌اند اسرائیل به شدت با آن مخالفت و عربستان نسبت به آن ابراز تردید کرده است. اسرائیل در راس کشورهای متضرر از این توافق است، مسئولان اسرائیلی معتقد هستند که ایران با این توافق جایزه بزرگی به دست آورده است جایزه‌ای که حجم آن صدها میلیارد دلار است و ایران با چنین جایزه‌ای می‌تواند به هژمونی خود در منطقه و جهان ادامه دهد و این یک اشتباه تاریخی است. این مقاله به بررسی و تحلیل محتوای مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: مذاکرات هسته‌ای، برجام، ایران، آمریکا، شورای امنیت

مقدمه

گروه کشورهای ۱+۵ از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه) و آلمان تشکیل شده و هدف آن هماهنگ کردن واکنش جهانی نسبت به برنامه های هسته ای ایران است.

مذاکرات هسته ای ایران و غرب در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در آن زمان سه کشور انگلستان و فرانسه و آلمان، پیشنهاد ارائه شده از سوی کشورمان را بررسی کردند و نهایتاً طی سال ۲۰۰۶ میلادی، با پیوستن روسیه، آمریکا و چین، گروه ۱+۵ تشکیل شد. مذاکرات مذکور با مجموعه موسوم به ۱+۵ و به صورت مشخص نمایندگان دولت آمریکا، از جمله رویدادهایی است که به صورت پرننگی در فضای سیاسی، اجتماعی و رسانه ای ایران و دنیا محل توجه قرار گرفت. علاوه بر نظرات مختلف درباره متن به دست آمده، مسئله ای که به شدت در فضای افکار عمومی محل سؤال قرار گرفت اجازه یافتن هیأت مذاکره کننده ایرانی برای مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا است. این موضوع از آنجایی در کانون توجهات قرار می گیرد که «اصل مذاکره» با آمریکا در دوره ها و بُرهه های گوناگون از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی رد شده و بر مَضَر بودن این مذاکره از سوی ایشان تأکید شده است.

هرچند مذاکرات موردی مانند مذاکره درباره موضوع عراق از سوی دولت ها و با مجوز رهبر انقلاب در بعضی مقاطع گذشته نیز سابقه داشته است اما سطح و محتوای مذاکرات مرتبط با بحث هسته ای آن را به صورت مشخصی متمایز و خاص می کند. این موضوع و ابعاد گوناگون آن سؤالات مختلفی را به وجود آورده است که این مسئله ضرورتِ مراجعه جامع و روش مند به بیانات رهبر انقلاب را برای بررسی دقیق تر مسئله و تبیین ابعاد گوناگون آن را دوچندان می کند. در این رابطه دو سؤال مهم مطرح می شود. اول آنکه مذاکره موردی با آمریکا در موضوع هسته ای چگونه با جهت گیری کلان انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی یعنی "استکبارستیزی" و "عدم پذیرش نظام

سلطه" قابل جمع است؟ و سؤال دوم اینکه دوطرف چه اهدافی را در این چالش چندین ساله دنبال می‌کردند و چرا رهبر انقلاب مجوز مذاکره موردی با آمریکا را در موضوع هسته‌ای دادند؟

برای فهم دقیق‌تر موضوع ابتدا باید تعریفی اجمالی از استکبار و استکبارستیزی در اختیار داشته باشیم. این دو واژه با پیروزی انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی دنیا شد. در معنانشناسی استکبار، زورگویی و دخالت در امور انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه کارهای آنها مداخله می‌کنند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌دانند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل هستند، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل هستند، پاسخگو هم به هیچ‌کس نیستند؛ این معنای مستکبر است. (آیت اله خامنه‌ای، ۹۲/۸/۱۲)

در مقابل چنین موجودیتی استکبارستیزی معنا پیدا می‌کند. استکبارستیزی یعنی یک ملّتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است. (آیت اله خامنه‌ای، ۹۲/۸/۱۲)

اولین نکته مهم در معنای درست استکبارستیزی «زیر بار تحمیل مستکبرین» نرفتن است. در واقع، اگر بر اصول و منافع خود ایستادگی به خرج داده و تحمیل استکبار را نپذیریم «استکبارستیزانه» عمل کرده‌ایم. البته علاوه بر این می‌توان سطح بالاتری از موضوع را نیز در نظر داشت که «مقابله با نظام سلطه» در سطح جهانی و ارائه نظم جدیدی به بشریت است و این همان بُعد جهانی انقلاب اسلامی است. "چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده... یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس می‌کند که به این پیام دلبسته است. آن پیام

چيست؟ اگر بخواهيم آن پيام را در شکل اجتماعي و انساني آن در يك جمله بيان بكنيم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛ اين پيام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسيم دنيا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب كه منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» است؛ نبايد ظلم كنيد و نبايد بگذاريد به شما ظلم بشود". (آيت اله خامنه‌ای، ۶/۲۶، ۹۲) با عنایت به مطلب فوق، اگر توانسته باشیم با ایستادگی بر سر اهداف خود بر خواست دشمن غلبه کنیم این مذاکره در چارچوب گفت‌وگو استکبارستیزی و با حفظ این اصل اعتقادی پیش رفته است و اگر چنانچه دشمن توانسته باشد حرف زور خود را بر ما تحمیل کند مذاکره هسته‌ای در تضاد با اصل استکبارستیزی بوده است. تحلیل مذاکره هسته‌ای جمهوری اسلامی با مجموعه‌ی ۱+۵ و به‌خصوص آمریکا براساس جهت‌گیری و گفت‌وگو «استکبارستیزی» و معیار «زیربار تحمیل نرفتن» مستلزم بررسی ابعاد گوناگون موضوع، اهداف دوطرف ماجرا و روند طی شده در این مناقشه طولانی‌مدت است.

برای فهم صحیح از دلیل اجازه رهبر انقلاب به هیأت مذاکره‌کننده ایرانی برای مذاکره با دولت آمریکا در موضوع هسته‌ای و رسیدن به پاسخی منطقی در رابطه با نسبت این مذاکرات با «اصل استکبارستیزی نظام اسلامی» در ادامه موضوع را از رهگذر بررسی اهداف دوطرف این مناقشه مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

۱. اهداف کلان دوطرف در چالش هسته‌ای

در تحلیل کلان موضوع می‌توان بنیادی‌ترین هدف و خواست طرف مستکبر در این چالش و مذاکرات مربوط به آن را «ریشه‌کنی صنعت هسته‌ای ایران» دانست که رهبر انقلاب می‌فرماید: "هدف اینها [آمریکایی‌ها] ریشه‌کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای در کشور است و قصدشان این است که نگذارند صنعت هسته‌ای کشور و با اهدافی که نظام جمهوری اسلامی دارد تحقق پیدا کند". (آیت اله خامنه‌ای، ۲/۴/۹۴) با این نگاه مهم‌ترین هدف آمریکا دست برداشتن جمهوری اسلامی از غنی‌سازی بوده است. "در حرفهای آمریکایی‌ها این معنا کاملاً خودش را نشان می‌دهد که بیائیم

بنشینیم تا ایران را قانع کنیم که از غنی‌سازی دست بردارد؛ از انرژی هسته‌ای دست بردارد. (آیت اله خامنه‌ای، ۹۱/۱۱/۲۸)

از سوی دیگر هدف اصلی جمهوری اسلامی حفظ حقوق مشروع خود در زمینه صنعت و فناوری هسته‌ای و به‌خصوص حفظ حق غنی‌سازی در داخل خاک و انجام آن توسط دانشمندان ایرانی بوده است. "ایران در مسئله هسته‌ای، فقط می‌خواهد حق غنی‌سازی او — که حق طبیعی‌اش است — از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهایی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد. (آیت اله خامنه‌ای، ۹۲/۱/۱)

حال می‌توان با نگاهی به «روند ماجرا» نسبت به موفقیت هر یک از دوطرف در رسیدن به هدف و خواست اصلی خود به ارزیابی و قضاوت پرداخت. رهبر انقلاب پس از پایان مذاکرات در تحلیل کلان مسئله طرف مقابل را در رسیدن به خواست نامشروع و مستکبرانه خود شکست‌خورده ارزیابی می‌کند:

"دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی — که از لحاظ ثروت اقتصادی و غیره، جزو کشورهای مقتدر دنیا محسوب میشوند — اینها نشسته‌اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت هسته‌ای خودش باز بدارند؛ این را صریحاً گفته‌اند. هدف واقعی آنها این است که پیچ و مهره‌های صنعت هسته‌ای به کلی باز بشود؛ این را سالها پیش هم به مسئولین ما صریحاً بیان کردند، الان هم در همین آرزو هستند. دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمّل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت و

این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ماست. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۴/۲۷)

۲. اهداف جمهوری اسلامی برای مذاکرات هسته‌ای

براساس بیانات رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی علاوه بر هدف کلان حفظ حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی در رأس آن، به دنبال رسیدن به اهداف و دستاوردهایی نیز بوده است که رسیدن به آنها در بستر مذاکرات میسر می‌شده است. از منظر جمهوری اسلامی، سه هدف عمده عبارت بودند از:

الف. لغو تحریم‌های ظالمانه

ب. شکست فضاسازی دشمن در سطح افکار عمومی دنیا

ج. آشکارتر شدن ماهیت استکباری آمریکا

۳. منطق دیپلماسی و تاکتیک نرمش قهرمانانه

از سوی دیگر توجه به نگاه رهبر انقلاب نسبت به مقوله دیپلماسی برای فهم صحیح این رویکرد ضروری است. رهبر معظم انقلاب به «دیپلماسی» در معنای درست خود که به نتایج عادلانه و منصفانه منجر شود معتقد بوده و این موضوع را از سالیان پیش به صراحت اعلام کرده‌اند. در این نگاه به خدمت گرفتن دیپلماسی در جهت «اهداف کلان» و برای از بین بردن موانع و حربه‌های دشمن بدون عدول از اصول و منافع ملی امری مثبت است:

"ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم؛ منتها در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت؛ شگردهای او را باید دانست؛ هدفهای اساسی و کلان را باید در مد نظر داشت. ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود؛ و آلا اگر چنانچه توافق و تفاهم به این معنا بود

که او بگوید شما باید از این راه برگردید، شما هم بگوئید خیلی خوب، این که خسارت است. (آیت اله خامنه ای، ۹۲/۴/۳۰)

از همین منظر منطق مجوز رهبر انقلاب به هیأت مذاکره کننده برای مذاکره پیرامون موضوع هسته‌ای با آمریکایی‌ها در چارچوب اهداف کلان و برای تأمین منافع ملت روشن می‌گردد:

"با وجود اینکه من خوشبین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم... اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۱/۲۰)

این مسئله با اطلاع از «تاریخچه مذاکره با آمریکایی‌ها در موضوع هسته‌ای» و توجه به این نکته که اولاً درخواست مذاکره از طرف دشمن مطرح شده و ثانیاً با به رسمیت شناخته شدن حق و قدرت ایران اسلامی همراه شده دقیق‌تر فهم می‌شود:

"این مذاکراتی که در واقع فراتر از مذاکرات ما با پنج به علاوه یک است؛ مذاکره با آمریکایی‌ها است. متقاضی این مذاکرات آمریکایی‌ها بودند مربوط به زمان دولت دهم هم هست. قبل از آمدن این دولت این مذاکرات شروع شد. آنها درخواست کردند، واسطه‌ای قرار دادند و یکی از محترمین منطقه، آمد اینجا با من ملاقات کرد، گفت که رئیس‌جمهور آمریکا با او تماس گرفته و از او خواهش کرده و گفته است که ما می‌خواهیم مسئله هسته‌ای را با ایران حل و فصل کنیم و تحریم‌ها را هم می‌خواهیم برداریم. دو نقطه اساسی در حرف او وجود داشت: یکی اینکه گفت ما ایران را به عنوان یک قدرت هسته‌ای خواهیم شناخت؛ دوم اینکه گفت ما تحریم‌ها را در ظرف

شش ماه به تدریج برمی داریم. بیاید بنشینید مذاکره کنید، این کار انجام بگیرد. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۴/۲)

در چنین چارچوبی، تاکتیک اسلامی «نرمش قهرمانانه» مطرح می شود. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است و رهبر انقلاب سازش کار دانستن هیأت مذاکره کننده را نهی می کنند:

"هیچ کس نباید این مجموعه مذاکره کنندگان ما را با مجموعه شامل آمریکا- همان شش دولت، به اصطلاح پنج بعلاوه یک - سازش کار بداند؛ این غلط است؛ اینها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، اینها بچه های خودمان هستند، بچه های انقلابند؛ یک مأموریتی را دارند انجام می دهند. (آیت اله خامنه ای، ۹۲/۸/۱۲)

نکته مهم دیگر اینکه از نگاه رهبر انقلاب عرصه دیپلماسی "عرصه جنگ" است. پیروزی در این عرصه به سادگی به دست نمی آید و دو شرط مهم برای موفقیت در این حوزه وجود دارد. شرط اول «ایمان و اعتقاد راسخ به اهداف» است:

"عرصه دیپلماسی مانند میدان جنگ است. واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد. (آیت اله خامنه ای، ۹۳/۵/۲۲)

علاوه بر این باید در صحنه دیپلماسی به «دارایی ها و دستاوردهای قابل توجه داخلی» متکی بود تا به پیروزی رسید:

"در هموردی های جهانی، منطق هموردی جهانی ایجاب می کند که ما دو میدان را مورد نظر داشته باشیم. یک میدان، میدان واقعیت و عمل است؛ که این میدان اصلی است. در میدان واقعیت و در میدان عمل، مسئولی که دنبال فعالیت است، دارایی هایی را در میدان عمل ایجاد می کند، تولید می کند؛ این یک میدان. یک میدان، میدان دیپلماسی و سیاست است که دارایی ها را در این میدان دیپلماسی و سیاست و

مذاکره، تبدیل می کند به امتیاز برای کشور، تبدیل می کند به منفعت ملی. اگر در آن میدان اول دست انسان خالی باشد، در میدان دوم کاری از انسان ساخته نیست؛ باید در میدان اول - یعنی میدان عمل، میدان واقعیت، روی زمین - دستاورد داشته باشد، دارایی داشته باشد. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۴/۲)

بنابراین طبق منطق دیپلماسی بدهبستان با طرف مقابل در این فرآیند مذاکراتی با حفظ اصول و برای رسیدن به اهداف پذیرفته شده است:

"ما از اول، منطقی وارد شدیم، منطقی حرف زدیم، زیاده خواهی نکردیم؛ ما گفتیم طرف، یک تحریم ظالمانه ای را تحمیل کرده است، ما می خواهیم این تحریم برداشته بشود؛ خیلی خب، این یک بدهبستان است، حرفی نداریم که در این زمینه یک چیزی بدهیم، یک چیزی بستانیم تا تحریم ها برداشته بشود؛ اما صنعت هسته ای متوقف نباید بشود، لطمه نباید بخورد؛ این حرف اول است؛ از اول این حرف را زدیم و دنبال کردیم. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۴/۲)

برنامه هسته ای شدن ایران در قبل و پس از انقلاب اسلامی

نخستین تلاش های ایران برای دستیابی به فناوری هسته ای به دهه ۱۹۵۰ میلادی باز می گردد و جالب اینجاست که ایالات متحده آمریکا نخستین کشوری بود که ایران را به دستیابی به فناوری هسته ای ترغیب کرد که شاید با توجه به مخالفت های کنونی برنامه هسته ای ایران کمی عجیب به نظر برسد. در این قسمت به سابقه همکاری ایران و آمریکا در حوزه مسائل هسته ای پرداخته می شود تا زمینه و چشم انداز های همکاری مشترک دو کشور در آینده با وضوح بیشتری آشکار گردد.

در ۵ مارس ۱۹۵۷ در چارچوب برنامه پیشنهادی «آیزنهاور» موسوم به اتم برای صلح، اولین قرارداد همکاری در زمینه های غیر نظامی اتمی بین دو کشور به امضا رسید که بر پایه آن ایران چند کیلوگرم اورانیوم غنی شده برای مصارف پژوهشی از آمریکا دریافت می کرد. به موازات این موافقت نامه، انستیتو علوم هسته ای که تحت نظارت

سازمان پیمان مرکزی (پیمان سنتو) بود از بغداد به تهران منتقل شد و دانشگاه تهران، مرکزی را تحت عنوان «مرکز اتمی دانشگاه تهران» برای آموزش و پژوهش هسته‌ای پایه گذاری نمود. از این زمان به بعد آمریکا اقدام‌های متعددی در جهت همکاری و حمایت از برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام داد. ایالات متحده از سال ۱۹۵۷ تا پیروزی انقلاب اسلامی اقدام‌های گوناگونی در زمینه حمایت از انرژی هسته‌ای حکومت پهلوی انجام داد. اقدام‌هایی که باعث شد آمریکا در میان حامیان غربی برنامه هسته‌ای حکومت شاهنشاهی ایران، مقام نخست را از آن خود کند. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۰۹)

ایران و آمریکا در سال ۱۹۷۴ نسبت به ایجاد یک کمیسیون مشترک با نیت تقویت همکاری در همه زمینه‌ها از جمله همکاری در زمینه علوم هسته‌ای به خصوص تولید انرژی هسته‌ای توافق نمودند. در همین زمان، قراردادی مقدماتی امضا شد که بر مبنای آن مقرر شد دولت آمریکا سوخت غنی شده برای رآکتورهای هسته‌ای قدرت را که قرار بود از جانب آمریکا برای ایران ساخته شود، فراهم نماید. همچنین بر اساس توافق به عمل آمده پیشنهاد شد که همکاری‌های هسته‌ای بین ایران و آمریکا به عنوان بخشی از برنامه کمیسیون مشترک ایران و آمریکا شود و انرژی هسته‌ای تحت سرپرستی اداره تحقیقات و توسعه انرژی آمریکا قرار گیرد. (قامت، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۰)

در سال ۱۹۷۵ هوشنگ انصاری، وزیر امور اقتصاد و دارائی ایران و وزیر امور خارجه آمریکا یک قرارداد گسترده اقتصادی که شامل فروش ۸ رآکتور به ارزش شش و چهار دهم میلیارد دلار به ایران بود را امضاء کردند. کمیسیون انرژی اتمی آمریکا موافقت کرد که یک رآکتور آب سبک به ظرفیت ۱۲۰۰ مگاوات همراه با سوخت آن به ایران فروخته شود و همچنین، یک قرارداد اولیه برای تأمین سوخت مربوط به رآکتورهای دیگر ایران نیز امضاء شد. هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، طی ملاقاتی با اعضای کمیسیون مشترک ایران و آمریکا اعلام کرد که ایران علاقمند است حداقل ۴ رآکتور برق، همراه با کارخانجات آب شیرین کن توسط آمریکا در ایران

ساخته شود. در ضمن، مقامات ایران سعی می کردند که رضایت آمریکا را در مورد ساخت مؤسسات بازفرآوری در ایران به دست آورند. متعاقب آن، ایران اعلام کرد که حاضر است به میزان دو و هفتاد و پنج صدم میلیارد دلار در یک کارخانه خصوصی غنی سازی در آمریکا سرمایه گذاری نماید.

پس از انتخاب کارتر به ریاست جمهوری آمریکا، مذاکرات وی با شاه ایران باعث گردید تا مسائل باقی مانده جهت رسیدن به یک موافقت نامه جدید برای همکاری های هسته ای حل شود. به دنبال موافقت نامه آمریکا و ایران در خصوص همکاری های فنی که در ۴ مارس ۱۹۷۵ منعقد شد، سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت انرژی آمریکا موافقت نامه ای را در خصوص آموزش پرسنل ایرانی در زمینه علوم و مهندسی هسته ای امضاء کردند. طرفین طبق این موافقت نامه تصمیم گرفتند در زمینه آموزش پرسنل مرکز فن آوری هسته ای اصفهان در حوزه برخی موضوعات منتخب در مهندسی و علوم هسته ای همکاری نمایند. طبق ماده ۳ این موافقت نامه، حوزه های موضوعی برنامه آموزشی شامل علوم و فن آوری مناسب با این نیازها مشخص شده است: طراحی و مهندسی رآکتور، اداره (بهره برداری) رآکتور، ایمنی رآکتور، پردازش داده ها، فیزیک نوترون تجربی، علوم زیست محیطی، مواد رآکتور، الکترونیک و به کارگیری ابزار، اداره سلول های داغ، زباله های رادیواکتیو و مصرف آنها، رسوب زدایی هسته ای، فن آوری سدیم، اداره آزمایشگاه عمومی. در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) همچنین ۵ قرارداد مرتبط با هم با شرکت آمریکایی جنرال اتمیک منعقد گردید:

الف- طبق قرارداد شماره ۱، شرکت مزبور متعهد بود تا ابزار و قطعات لازم برای تبدیل رآکتور تحقیقاتی تهران را مشتمل بر ابزار و متعلقات رآکتور و سوخت هسته ای تحویل دهد.

ب- موضوع قرارداد شماره ۲، خدمات طراحی جهت تبدیل رآکتور تحقیقاتی تهران و ارائه اطلاعات و گزارشات مربوطه و آموزش پرسنل سازمان انرژی اتمی بوده است.

پ- موضوع قرارداد شماره ۳، انجام نظارت و کنترل رآکتور تریگا در حین شروع به کار و اجرای آزمایشات لازم برای راه اندازی رآکتور بوده است.

ت- موضوع قرارداد شماره ۴، تحویل دستگاه های کنترل مربوط به رآکتور هسته ای بوده است.

ث- موضوع قرارداد شماره ۵، نصب و آزمایش دستگاه های سوخت رآکتور می باشد.

تلاش های ایران در زمینه فعالیت های هسته ای در این دوران انعکاس جهانی یافت. به عنوان مثال، فایننشال تایمز در مقاله ای تحت عنوان: «شاه اقدام به خرید رآکتورهای هسته ای کرده است»، نوشت: «تصمیم ایران در جهت دنبال کردن یک برنامه بزرگ هسته ای مورد استقبال اذهان عمومی واقع شده است و این برای اولین بار است که یکی از کشورهای تولید کننده نفت چنین برنامه ای را پی می گیرد و وابستگی به نفت را به عنوان منبعی از انرژی، خطرناک می داند» (غریب آبادی ۱۳۸۷: ۱۳).

علیرغم همکاری های وسیع قبل از برپایی نظام جمهوری اسلامی، پس از انقلاب و بخصوص پس از پایان جنگ تحمیلی و همزمان با پایان جنگ سرد، فشارهای غرب به ویژه آمریکا به بهانه سلاح های هسته ای و همراهی آژانس بین المللی انرژی اتمی، ایران را در وضعیت بحرانی قرارداد. این بحران زمانی تشدید شد که بعد از اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا، این ذهنیت بوجود آمد که بعد از آنها نوبت اشغال ایران است، در چنین شرایطی پرونده هسته ای ایران بحرانی شد و بازرسان آژانس؛ خبر از مخفی کاری و وجود سرنخ هایی از اورانیوم غنی شده و زمینه های تسلیحات هسته ای می دادند. دو قطعنامه شورای حکام آژانس علیه ایران، بحران بی سابقه ای را در

ایران بوجود آورد. فشار غیرمتعارف و خلاف مقررات آژانس برای پذیرش پروتکل الحاقی و منع استفاده صلح جویانه از انرژی هسته ای، ایران را در دوراهی سختی قرارداده بود که یا از آژانس خارج شود و یا تن به همه فشارها بدهد. (خوش اندام، ۱۳۸۶: ۶۰) در این شرایط سخت تصمیم گیری، دولتمردان ایران در دوره اصلاحات برای کاهش فشارهای جهانی، برخی اقدامات را انجام دادند:

الف. در حالی که فشار جنگ روانی علیه ایران همه بنگاه های خبری دنیا را به خود مشغول کرده بود، ایران با دعوت از دبیرکل آژانس (محمدالبرادعی) و فراخوانی همزمان وزرای خارجه سه کشور اروپایی و همینطور رایزنی های پر دامنه کارشناسی و دیپلماتیک علاوه بر اینکه وحدت جهان غرب در مقابل ایران را به هم زد، استفاده امریکا از زور در فرآیندهای بین المللی و یکجانبه گرایی او را با منطق گفت و گوی چندجانبه گرایی با مشکل مواجه ساخت و اروپا را در مقابل امریکا قرارداد که یکی از نقاط برجسته دیپلماسی نرم ایران بوده است.

ب. امریکا تلاش کرد تا با تمسک به قطعنامه اول شورای حکام، ایران را تهدید به ارجاع موضوع به شورای امنیت سازمان ملل کند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا قطعنامه مذکور را نپذیرفت و ضمن تاکید بر عدم تمکین به ضرب الاجل غیرقانونی آن که مغایر با متن NPT و ماده ۱۲ اساسنامه آژانس بود، با پذیرش پروتکل الحاقی، گام دیگری در عرصه دیپلماسی نرم و تغییر ذهنیت بازیگران جهانی به خصوص کشورهای اروپایی برداشت.

پ. اعتمادسازی و شفاف سازی ایران، محصول چرخشی بود که به امضای پروتکل انجامید و در نتیجه نه تنها اروپائیان بلکه کشورهای غیرمتعهد آژانس، همگی به نفع ایران رأی دادند و در نتیجه ایران موفق شد اجماعی را که امریکا و لابی صهیونیسم در صدد بودند تا با استفاده از جنگ روانی به یک اجماع جهانی علیه ایران تبدیل کنند، تا حدودی بشکنند. از این تاریخ به بعد به جای آنکه ایران پاسخ گو باشد آژانس و

اتحادیه اروپایی بودند که می بایست به تعهدات خود در مورد انتقال تکنولوژی هسته ای صلح آمیز و دو منظوره به ایران عمل کنند و در راستای خلع سلاح هسته ای خاورمیانه که در بیانیه تهران آمده بود و هدفی جز اسرائیل نداشت، تلاش نمایند.

ت. گرچه نفس پاسخ مثبت سه کشور قدرتمند اروپایی و حضور آنها در تهران علیرغم مخالفت امریکا برای ایران پیروزی به حساب می آمد. اما فراتر از آن بعد از انقلاب اسلامی همواره اتحادیه اروپا در سایه تهدیدها و فشارهای امریکا از منافع مشارکت در پروژه های سطح بالای فنی نظیر تکنولوژی هسته ای در ایران محروم بوده و اعلام آمادگی اروپا برای همکاری در این زمینه، ضمن اعتماد به صلح آمیز بودن آن نشانه چرخشی عظیم تر از سوی اروپا به شمار می آمد.

ث. ایران برحق استفاده صلح آمیز خود از انرژی هسته ای تاکید و آن را مورد تأیید و تثبیت نمایندگان جامعه جهانی قرارداد، در حالی که در قطعنامه مذکور این استفاده هم منع شده بود. در بیانیه وزرای خارجه سه کشور اروپایی و ایران بر این حق مسلم تأکید شد. تاکید بر این حق مسلم یکی از جنبه های اصلی دیپلماسی نرم جمهوری اسلامی ایران در طول سالهای بعدی نیز بوده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۳: ۵).

ابتدای دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد در حالی آغاز شد که بحث کشیده شدن پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت قطعی شده بود و منشاء آن هم اعلام تصمیم از سرگیری فعالیت های تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان بود که با مواضع اعلامی ایشان در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری، از قبل هم قابل پیش بینی بود. در ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵، دولت احمدی نژاد کلیات آیین نامه چگونگی مشارکت کشورهای خارجی در برنامه هسته ای را نیز به تصویب رساند (این همان طرحی بود که احمدی نژاد در ابتدای دوره ریاست جمهوری به عنوان یک طرح راهگشا از آن یاد کرده بود که بر طبق آن کشورهای خارجی در فرآیند تولید سوخت هسته ای ایران مشارکت کنند تا بدین وسیله مشکلات ناشی از بی اعتمادی هم از میان برداشته شود. البته این دولتها

بایستی دولتهای دوست می بودند). از این پس و تا ۸ سال بعد، ایران دیگر منتظر عمل غربی ها نمی ماند تا از خود عکس العمل نشان دهد و غالباً این اقدامات ایران بود که با عکس العملهای غربی ها مواجه می شد و به اصطلاح سیاسی دیپلماسی ایران از حالت انفعالی به حالت فعال تغییر جهت داد. پس از کش و قوس های فراوان در ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ (۸ مارس ۲۰۰۶) سیر ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت آغاز شد.

جمهوری اسلامی بعد از چرخش هایی که در سیاست خارجی خود در طول این مدت داشت یک چرخش قابل ملاحظه ای انجام داد و در همین راستا، ایران در سه سیاست عمده خود تغییر جهت داد. این سه سیاست عبارت بودند از:

اول، تعلیق اجرای پروتکل الحاقی

دوم، تعلیق همکاری های داوطلبانه با آژانس بین المللی انرژی اتمی

سوم، به صحنه کشاندن ملت و تبدیل نمودن دست یابی به انرژی هسته ای به عنوان یک خواست ملی.

با توجه به بحران هایی که احمدی نژاد برای جمهوری اسلامی به بار آورد، تلاش برای تغییر این روند در دولت حسن روحانی آغاز شد. در آمریکا نیز دولت دموکرات ها (اوباما) عملکرد مثبتی در عرصه سیاست خارجی نداشته و در عرصه هایی مانند مبارزه با تروریسم و موضوع سوریه با شکست روبرو شده و نیاز دارند تا برگه مثبتی در پرونده کاری خود ثبت نمایند و همواره تلاش دارد که این برگه مثبت، توافق با ایران در عرصه گفت و گوهای هسته ای باشد چراکه این توافق در انتخابات آتی، به نفع آنها عمل خواهد نمود. رسیدن به توافق با ایران یک زمینه تبلیغاتی خوب در اختیار مقامات کاخ سفید قرار می دهد. اوباما حتی کار را به جایی رساند که در مقابل رژیم صهیونیستی صف آرای پنهانی انجام داده و با قبول کردن دغدغه های نظامی ایران گفته است: ایران می تواند به یک قدرت منطقه ای تبدیل شود و تاکید کرده که «توافق هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱ می تواند هم برای ایران، هم آمریکا و هم برای کل منطقه مفید باشد». این

برای اولین بار است که اوپاما مسیری متفاوت از اسلافش در قبال ایران برگزیده است تا جایی که با تاکید بر جایگاه و نقش ایران اعتراف می‌کند که تهران می‌تواند به یک قدرت منطقه‌ای کاملاً موفق تبدیل شود. تحلیلگری همچون صادق خرازی، سفیر سابق ایران در سازمان ملل معتقد است که توافق هسته‌ای موازنه منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داده و شکاف عمیقی بین رژیم صهیونیستی با کشورهای جهان و حامیان غربی‌اش ایجاد خواهد کرد. (خرازی، ۹۴/۵/۱۸)

رئیس جمهور حسن روحانی در باره مبحث مذاکره معتقد است که با قبول وجود مشکل بین ما و برخی کشورها، توانستیم با همین کشورها به توافق موقت ژنو برسیم. وقتی هر دو طرف توافق به تعهدات خود عمل کردند، به معنای آن است که ما این کشورها را در مقام عمل به تعهداتشان نیز آزمایش کرده‌ایم. وقتی توانستیم یک توافق دو ساله را با هم اجرا کنیم طبیعتاً می‌توانیم یک توافق ۱۰ ساله را نیز با هم اجرا کنیم. این تفکر که ما در برابر دنیا دو راه بیشتر نداریم و یا باید در برابر دنیا تسلیم شویم و یا دنیا را شکست دهیم، این غلط و غیرمنطقی است. راه سومی نیز وجود دارد که آن تعامل با دنیا است.

رئیس جمهوری با تاکید بر تعامل سازنده در چارچوب منافع ملی و دستیابی به توافق برد-برد، اظهار می‌دارد که توافق برد - باخت شدنی نیست و اگر هم بشود پایدار نمی‌ماند. توافق باید یک توافق برد - برد باشد که در آن ما به اهداف اصلی مان دست پیدا کرده و طرف مقابل هم اگر هدف مهمی دارد، احساس کند به آن هدف دست پیدا کرده است. در این توافق ما سه هدف مهم داشتیم که به آنها دست پیدا کردیم طرف مقابل هم هدف مهمی داشته و مدعی است که به آن دست پیدا کرده است به این صورت است که یک توافق، برد - برد می‌شود. همچنین می‌توان مکانیسمی در نظر گرفت که در نهایت هیچ‌کدام از طرفین توافق ضرر نکنند و با توجه به تجربه‌ای که در این مدت و اجرای توافق موقت ژنو داشتیم، امیدواریم این توافق به خوبی پیش

رود. در جریان اجرای این توافق ما باید مراحل طی را طی کنیم که یک مرحله آن را گذرانده‌ایم و مراحل بعدی را هم باید طی کنیم. (روحانی، ۹۴/۵/۱۱)

تثبیت برنامه هسته‌ای کشورمان و تبدیل آن به یک برنامه مشروع از دید شورای امنیت و داشتن چشم‌انداز تجاری در برنامه هسته‌ای کشورمان که ظرف ۱۰ یا ۱۵ سال به این اهداف خواهیم رسید. سومین هدف، لغو تحریم‌ها در ازای مشروعیت برنامه غنی‌سازی است. شش قطعه‌نامه قبلی شورای امنیت، فناوری هسته‌ای ایران را تهدید امنیت بین الملل می‌دانستند و قطعه‌نامه کنونی آن را تثبیت و حق قانونی ایران دانسته است؛ این دستاورد بزرگ سیاسی است. دستاورد مهمتر این بود که در یک دعوی ۱۲ ساله ما حرف خود را به کرسی بنشانیم. موضوع این دعوا این بود که ایران غنی‌سازی نکند و ما می‌گفتیم که باید غنی‌سازی کند و موضوع نبرد اراده‌ها بود. این دعوا در پایان به نفع ایران تمام شد. بالاخره آن‌ها قطعه‌نامه‌ها را کنار گذاشتند و برنامه هسته‌ای ما را پذیرفتند و بدون شک در این نبرد اراده‌ها این ایران بود که پیروز شد. (عراقچی، ۹۴/۵/۱۸)

بررسی و ارزیابی برجام از منظر بین الملل

دیدگاه‌ها درباره مواد توافق هسته‌ای مختلف است، غرب آن را توافقی خوب و عادلانه توصیف کرده است و ایران معتقد است این توافق در پاسخ به خواسته ملت صورت گرفته است اما اسرائیل این توافق را به رسمیت نشناخته است و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل این توافق را یک اشتباه تاریخی دانست، کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ابراز نگرانی کرده اند که این توافق نوعی پوشش بین المللی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. واکنش‌ها به این توافق مختلف است. در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از آن استقبال کرده اند اسرائیل به شدت با آن مخالف و عربستان نسبت به آن ابراز تردید کرده است. اسرائیل در راس کشورهای متضرر از این توافق است، مسئولان اسرائیلی معتقد هستند که ایران با این توافق جایزه بزرگی به

دست آورده است جایزه ای که حجم آن صدها میلیارد دلار است و ایران با چنین جایزه ای می تواند به هژمونی خود در منطقه و جهان ادامه دهد و این یک اشتباه تاریخی است.

برخی کشورهای دیگر همچون کانادا نیز به طور رسمی با توافق هسته ای ایران مخالفت و اعلام کرده اند اهداف هسته ای ایران همواره تهدید بزرگی برای صلح محسوب می شود. در آمریکا نیز برخی سیاستمداران از امضای توافق هسته ای ایران خرسند نیستند و معتقدند رفع تحریم های ایران و تحویل صدها میلیارد دلار به تهران در راستای اهداف هسته ای ایران برای حمایت از گروه های شیعه در خاورمیانه هزینه خواهد شد.

در ابتدای این توافق عربستان سعودی به طور رسمی اعلام کرد که توافق هسته ای ایران و ۱+۵ روز خوبی برای منطقه خواهد بود اگر این توافق ایران را از دستیابی به سلاح هسته ای بازدارد اما این توافق اگر باعث شود تهران منطقه را به هم بریزد توافق بدی خواهد بود. ریاض معتقد است اگر توافق هسته ای امتیازاتی به ایران بخشیده باشد منطقه با خطرات بسیاری مواجه خواهد شد.

عربستان سعودی معتقد است حمایت ایران از سوریه و حزب الله لبنان و حوثی های یمن دلیلی بر هژمونی ایران بر خاورمیانه است. این در حالی است که باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و جان کری وزیر امور خارجه این کشور تضمین هایی را درباره توافق هسته ای با ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس داده اند و آخرین آنها در نشست کمپ دیوید در می ۲۰۱۵ بود.

با نگاهی به عناوین روزنامه های عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس می توان به عمق تحلیل این کشورها از تعامل با توافق هسته ای ایران پی برد. به عنوان مثال روزنامه الریاض چاپ عربستان در این باره می نویسد توافق اخیر ایران می تواند چراغ سبزی برای پیشبرد برنامه هسته ای کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه

عربستان باشد و این کشورها بتوانند از این پس چرخه سوخت هسته ای را در اختیار داشته باشند. امری که بازدارندگی را محقق و ثبات در موازنه قوا را تضمین می کند. در رابطه با تاثیر توافق اخیر ایران بر روابط تهران با دوحه نیز می توان از اظهارات مقامات قطری نتیجه گیری کرد. این مقامات ابراز امیدواری کرده اند این توافق عاملی برای برقراری ثبات در خاورمیانه باشد و مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای منطقه را پایان دهد. بنابر اعلام رسانه های قطر، نزدیک شدن عربستان و روسیه در زمان مناسب اقدامی درست بود و بنابراین کشورهای حاشیه خلیج فارس باید در دوره ای که چند قطبی است (دوره ای که اوپاما و دولت آن در برابر این مسئله تسلیم شده اند) در ائتلاف های خود تنوع داشته باشند.

روزنامه «الخلیج الاماراتیه» در یکی از سرمقاله های خود درباره توافق هسته ای ایران نوشته است: "نگرانی اصلی کشورهای منطقه ایران هسته ای نیست بلکه تلاش ایران برای دخالت در امور داخلی همسایگانش است".

روزنامه «الاهرام» مصر نیز در سرمقاله ای نوشته است: "ایران بازیگر اصلی در مسائل عربی است و بسیاری معتقد هستند ایران در راستای منافع ملی خود تلاش می کند نه به زیان عرب لذا طبق این دیدگاه اعراب باید هوشیار باشند و از توهم اینکه آمریکا همواره از آنها حمایت می کند خارج شوند".

روزنامه «السیاسه» کویت نیز در یکی از مقالات خود از ایران خواسته است سیاست های خویش را در منطقه تغییر دهد، در این مقاله آمده است: «ایران باید این موضوع را بپذیرد که بازگشت واقعی آن به عرصه جهانی با امضای توافق هسته ای نیست بلکه با چشم پوشی از ایفای نقش شرارت در روابط بین الملل است. ایران باید از توهم سیطره بر منطقه بیرون بیاید.

با نگاهی به مطالب مقالات و سرمقاله های مطبوعات کشورهای حاشیه خلیج فارس می توان به تاثیر توافق هسته ای بر روابط ایران و این کشورها پی برد. واکنش هایی که

یا مثل قطر مبتنی بر استقبال بوده اند یا همچون عربستان با مخالفت مواجه شده است و یا همچون امارات، کویت و مصر همراه با تردید بوده است. (خبرگزاری صد خبر، مرداد ۱۳۹۴)

از سوی دیگر برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز از توافق هسته ای ایران متضرر شده اند و معتقدند این توافق احتمالاً تأثیر بسیاری بر قیمت نفت دارد و تهدیدی برای قیمت نفت در کشورهای حاشیه خلیج فارس و جهان محسوب می شود.

به طور کلی باید گفت کشورهایی که خود را متضرر می دانند نگرانی هایشان به خاطر بندهای توافق نیست بلکه این کشورها نگران منافعشان در منطقه هستند، نگرانی هایی که درباره قیمت نفت و ضررهای مالی آن است یا به خاطر نگرانی های مذهبی همچون عربستان که از گسترش نفوذ شیعه در منطقه می هراسد.

در اینجا ضرورت دارد به دیدگاه های سران دو کشور آمریکا و ایران در رابطه با برجام بپردازیم:

الف. نگرش آمریکا از منظر اوباما و کری

اوباما و کری در دفاع از برجام علی رغم میل باطنی خودشان مجبور به دفاع از گذشته ایران شدند تا جایی که جان کری اذعان نمود که نتانیاهو از ایران وهم دارد زیرا ایرانیان اگر می خواستند بمب بسازند سالها پیش توان آن را داشتند اما نساختند. یادمان هست نتانیاهو در سازمان ملل با رسم شکل گفت که ایران شش ماه دیگر بمب می سازد اما ایرانیان بمب نساختند. در سخنان سران آمریکایی در مرداد ماه ۱۳۹۴، هشت موضع گیری مهم بود که در ذیل به آن می پردازیم:

۱. اوباما: توافقی خوب و رضایت بخش

رئیس جمهور آمریکا در دانشگاه آمریکن اظهار نمود که توافق انجام شده باعث حل شدن تمامی مشکلات با ایران نخواهد بود و درعین حال اطمینان بخش گرم شدن

روابط بین دو کشور نخواهد بود. اما به خاطر اینکه دستاوردی در راستای یکی از حیاتی ترین مسائل امنیتی به شمار می رود می توان آن را توافقی خوب و رضایت بخش توصیف کرد .

۲. مخالفان توافق عاملان جنگ پر هزینه عراق هستند

اوباما مخالفان برجام را جنگ طلبان دیروز عنوان کرد و اشاره نمود افرادی که با توافق با ایران مخالفند همان هایی هستند که در سال ۲۰۰۳ برای حمله به عراق رای مثبت دادند. او با این سخن به مردم آمریکا یادآور شد که جنگ عراق چقدر برای آنها هزینه داشته است. در زمان حکومت صدام حسین، در آمریکا تصمیم بر این گرفته شد تا بجای استفاده از دیپلماسی از گزینه نظامی استفاده شود و آمریکا وارد جنگ درازمدت شد، رهبران وقت آمریکا به مردم این کشور چیز زیادی از هزینه های سنگین جنگ نگفتند و دائم اصرار بر این بود که می توان اراده و تفکر خود را بر روی مردمانی که فرهنگ و تاریخ مختلفی دارند، تحمیل نمود . علیرغم گذشت یک دهه از وارد شدن به جنگ، در آمریکا هنوز با عواقب ناگوار اشغال عراق و تصمیم گیری آن زمان روبرو هستیم . اگرچه نیروهای مسلح ما تمامی ماموریت های خود را به خوبی انجام دادند، اما این را نیز نباید فراموش کرد که هزاران سرباز آمریکایی جان باختند و دهها هزار نفر زخمی و مجروح، البته این ارقام شامل تلفات جانی عراقی ها نمی شود . از طرفی دیگر نزدیک به یک تریلیون دلار هزینه، این تصمیم گیری شد. امروزه عراق همچنان دچار گرفتاری های زیادی است، گرفتاری هایی چون جنگ های طایفه ای، ظهور القاعده و پیدایش و فعالیت داعش، و تنها برنده جنگ ، جمهوری اسلامی ایران است، چرا که موقعیت استراتژیک ایران در عراق با از میان برداشتن دشمن دیرینه آن یعنی صدام حسین، تقویت گردید.

وی البته این موضوع را نیز گفت که حمله به ایران مانند عراق نیست و هزینه های بسیاری به دنبال دارد که از این جمله می توان به حمله حزب الله به اسرائیل اشاره کرد.

او به مردم و سناتورهای امریکا عدم تاثیر گذاری بلند مدت از حمله به ایران نیز گفت و تاکید کرد با این کار تنها ایرانیان را مصمم کرده ایم و برنامه اتمی آنها را برای چند سال به تاخیر می اندازیم.

وی این نکته را یادآور شد که اگر کنگره این توافق را رد کند ایران غنی سازی با درصد بالا را کلید خواهد زد و با این کار من یا رئیس جمهور بعد چاره ای جز حمله نظامی نخواهیم داشت و جنگ هزینه های خود را دارد. او به هزینه جنگ عراق نیز اشاره ای کرد و تاکید کرد که سربازان امریکایی را نباید به کام مرگ فرستاد زمانی که می توان از دیپلماسی بهره برد.

۳. بدون توافق هم ایران در منطقه نفوذش گسترش می یابد

اوباما اعتراف کرد که نفوذ ایران در منطقه رو به گسترش است و از این موضوع ما نیز مانند شرکای خود در منطقه ناراحت هستیم و در برابر آن می ایستیم اما باید بپذیریم که ایران بدون این توافق هم می تواند به حمایت های خود از دولت سوریه و حزب الله ادامه دهد؛ کما اینکه در این مدت با تحریم ها توانست این کار را انجام دهد. اوباما امیدوار است که از طریق توافق بتواند با ایران برای ثبات در منطقه گفت و گو کند و این مساله را جان کری نیز به نقل از ظریف گفته است که در صورت توافق، ایران حاضر به گفت و گو در سایر مسائل منطقه ای خواهد بود.

نکته مهم از سخنان جان کری این بود که ایران با تغییر دولتهایش تغییر نگرش در زمینه منطقه ای و جهانی نمی دهد و تنها روش اجرایشان تغییر می کند و این مساله به دلیل سیاست گذاری در سطوح عالی نظام ایران است.

۴. ایران حق ذاتیش برای غنی سازی را می خواهد

اوباما حق غنی سازی ایران را یک حق ذاتی دانسته و تاکید کرده که برجام فاصله ایران با ساخت بمب اتم را زیاد می کند و با این توافق دیگر نمی توان به دلیل ادعاهای دیگران حق ذاتی ایران را نادیده گرفت. اوباما اذعان نموده که ایران مانند هر کشور

دیگری حق دارد غنی سازی کند. این سخنان او با ما همان چیزی بود که سیاست عالی نظام به دنبال آن بود و از خطوط قرمز رهبری در مذاکرات به شمار می رفت. کری با اشاره به این موضوع که او با ما اعلام کرده است اجازه دستیابی ایران به بمب را نخواهد داد گفت: او با ما تنها رئیس جمهوری بود که دستور به ساخت جنگ افزایی داد که بتواند تاسیسات هسته ای ایران را هدف قرار دهد، اما در عین حال تاکید کرد که موضوع مهم آن است که ایران هم اکنون به دانش غنی سازی دست یافته و به چرخه سوخت مسلط شده است و نمی توانید این دانش را نیز بمباران کنید.

۵. عدم توافق یعنی تایید سخنان رهبر ایران در بی اعتمادی به آمریکا

در کنار سخنان او با ما، جان کری نیز اعترافات قابل توجهی در خصوص ایران داشته است. یکی از سخنان او درباره منزوی شدن آمریکا به دلیل اثبات سخنان رهبر ایران است. وزیر خارجه آمریکا گفت: "آیت الله خامنه ای (اعتقاد دارد که ما امریکایی ها غیرقابل اعتماد هستیم. ما توافق کردیم، آن را اعلام کردیم، ۵ کشور دیگر به آن اعتماد کردند. اکنون کنگره آمریکا (در صورت رد توافق) تردید و ظن آیت الله را ثابت خواهد کرد و دیگر امکان ندارد او به میز مذاکره بازگردد. او به مذاکره باز نخواهد گشت. به دلیل شأن و به دلیل این سوطن که شما نمی توانید به آمریکا اعتماد کنید و اینکه آمریکا با حسن نیت مذاکره نمی کند و با حسن نیت مذاکره نکرد."

۶. بدون توافق هم ایرانیان بمب اتم نمی سازند

یکی دیگر از سخنان مهم جان کری این بود که ایرانیان را مردمانی به دور از تلاش برای ساخت سلاح کشتار جمعی توصیف کرد. جان کری این جمله را بارها بعد از توافق گفته است. او در سنا گفت ایرانیان می توانستند ۱۲ بمب بسازند اما به سوی آن نرفتند. او گفت اگر توافق امضا نشود هیچ کسی راهکار جایگزینی برای مقابله با ایران ندارد.

شرکای اروپایی ما دیگر حاضر به ادامه تحریم نیستند و این یعنی تحریم بی تحریم. او این را نیز گفت که در جنگ هشت ساله ایران و عراق این صدام بود که سلاح شیمیایی به کار برد و ایران علی رغم توان مقابله به مثل این کار را نکرد و این می تواند یک تضمین عملی برای ما باشد.

۷. آمریکا در اقدام نظامی علیه ایران تنهاست

جان کری و اوباما یک نکته مهم دیگر را نیز به شرکای عرب خود در منطقه یادآور شدند. اینکه آمریکا حاضر نیست جنگی را بدون اجماع بین المللی علیه ایران به راه بیندازد و در حال حاضر جنگ با ایران هیچ حامی ندارد. اوباما گفته است که سربازانش در هفت جنگ به دستور او شرکت کردند اما مساله ایران فرق می کند زیرا آمریکا و اسرائیل در این جنگ تنها خواهند بود.

کری نیز در تایید این مطلب چنین گفت: "ضمناً اگر ما مجبور به انجام کار نظامی شویم، آن وقت سازمان ملل، قوانین و حقوق بین الملل و متحدانمان از ما حمایت نخواهند کرد". (بولتن الکترونیکی پایش اخبار و تحولات سیاسی ایالات متحده آمریکا، ۱۳۹۴: ۸-۳)

۸. تحریم ها در حال فرسایش است

مساله مهم دیگری که سران امریکایی به آن اشاره کرده اند بی تاثیر شدن تحریم ها در سالهای اخیر است. کری با اشاره به تغییر دولت در ایران گفت که از دو سال پیش تحریم ها علیه ایران تقریباً رو به فرسایش و بی تاثیری گذاشت. ایرانیان هم متحدتر عمل کردند و هم روشهای بهتری برای عبور از تحریم ها یافتند و به همین دلیل آنها توانستند وضعیت اقتصادیشان را به ثبات برسانند. او تاکید کرد که تحریم ها همین الان هم ناکارآمد شده اند.

این مساله را اوباما نیز بدان اشاره کرد. اوباما گفت که در ادامه روند تحریم ها تنها خواهیم بود و شرکای اروپایی و آسیایی ما گفته اند که دیگر حاضر به ادامه همکاری

در این زمینه نیستند. وی تاکید کرد که عدم توافق با ایران بدون هیچ گزینه جایگزین است و این یعنی شکست کامل برنامه های آمریکا و خروج ایران از انزوای بین المللی، بدون آنکه حتی به توافق عمل کند. (بولتن الکترونیکی پایش اخبار و تحولات سیاسی ایالات متحده آمریکا، ۱۳۹۴: ۶-۳)

سخنان فوق به درستی نشان می دهد که آمریکا چرا به میز مذاکره با ایران بازگشت و علی رغم ادعای آنها، تحریم ها ایران را سر میز نیارود بلکه بی تاثیر شدن تحریم ها آمریکا را به میز مذاکره کشاند.

ب. دیدگاه ایران از منظر روحانی و ظریف

رئیس جمهور، حسن روحانی توافق هسته ای را به عنوان یک «راه سوم» جدید برای سیاست خارجی ایران مطرح می کند و معتقد است که این ایده که ما در برابر جهان دو راهکار داریم یا باید تسلیم شویم یا جهان را شکست دهیم، غیرمنطقی است؛ یک راه سوم هم وجود دارد و آن همکاری سازنده با جهان در چهارچوب منافع ملی است. در این راستا بدون جنگ یا التماس یا تسلیم، اما با منطق، مذاکره و دیپماسی در یک مسیر حقوقی با سازمان ملل اقدام گردید.

روحانی توافق هسته ای را یک توافق بُرد - بُرد می داند و اعتقاد دارد که مکانیزم این توافق طوری طراحی شده که تضمین شود ایران بازنده نیست. از منظر وی، هدف های اصلی ایران در مذاکرات هسته ای دفاع از حقوق هسته ای؛ خارج شدن از قطعنامه فصل هفتم سازمان ملل و از میان برداشتن تحریم ها بود. توافق هسته ای، حق ایران برای غنی سازی اورانیوم را به رسمیت می شناسد و تحریم های بین المللی را لغو می کند. (خبرگزاری ایرنا، ۹۴/۵/۱۲)

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران با ارائه دلایل زیر به دفاع از برجام می

پردازد:

۱. طرح صهیونیستی امنیتی سازی ایران و جهانیان از این توافق به عنوان پیروزی عقلانیت منطقی بر جنگ طلبی استقبال کرده و آن را نقطه عطفی در تاریخ روابط بین الملل در دهه های معاصر شناخته اند. به اعتراف دوست و دشمن آنچه در این میان به اثبات رسید عزت خودباوری اقتدار و سربلندی توأم با حکمت مردم ایران و رهبر فرزانه ماست، در این مذاکرات طولانی و نفس گیر با توکل به خدا و به پشتیبانی مردم ثابت شد جمهوری اسلامی ایران با ۶ قدرت دنیا مذاکره می کند اما باج نمی دهد و ثابت شد ایران در سختترین شرایط تحریم حاضر است سالها مقاومت و دو سال مذاکره را ادامه دهد ولی در برابر فشارها مقاومت کند و از خطوط اصلی خود عدول نکند. یک بار دیگر به امریکا ثابت شد که به تعبیر رهبری باید تسلیم ایران را به خواب ببیند. متن نهایی برجام متن متوازنی است، در این متن ما تمام خاسته‌های مان را به طرف مقابل تحمیل نکردیم. طرف مقابل هم نتوانست چنین کاری بکند. زیرا این دیگر توافق نیست بلکه سند تسلیم است. در داخل متن هم توازن قابل توجهی حتی از نظر تناظر زمانی اقدامات وجود دارد.

۲. صلح، امنیت و ثبات در محیط پیرامونی همواره مهمترین اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است که برشناخت صحیح از واقعیات این منطقه بنا شده و به عکس فراز و نشیب‌ها، دوگانگی‌ها و تناقضات خطرناک سیاست‌های برخی کشورهای مؤثر، از انسجام و استمرار برخوردار بوده و همواره بر صلح و دوستی با همه همسایگان، حمایت از خواست مردم و مقابله با تهدیدات مشترک از جمله تجاوز خارجی، افراط، تروریسم و فرقه‌گرایی بنا شده است. جمهوری اسلامی ایران حمایت از دوستان و متحدین منطقه ای خود در برابر این تهدیدات مشترک را ادامه خواهد داد و بارها اعلام آمادگی کرده است که با سایر همسایگان نیز بر پایه احترام متقابل در برابر این چالش‌های مشترک و در جهت ثبات منطقه و جهان همکاری کند.

جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه به دنبال سلاح هسته ای نبوده و نخواهد بود. لذا این ادعا که در توافق اخیر وین راه های مختلف دستیابی ایران به سلاح هسته ای بسته شده، در واقع تحصیل حاصل است و صرفاً به منظور راضی کردن منتقدین داخلی و صهیونیست ها بیان می شود.

۳. تحولات چندین سال گذشته نشان داده است که آنچه موجب ناامنی و گسترش افراط و تروریسم در منطقه ما شده است، سیاست ها و اقدامات نسنجیده دولت های ایالات متحده و برخی از متحدانشان در منطقه به ویژه رژیم صهیونیستی بوده که جز تخریب و جنگ و افراط برای مردم این منطقه و جهان حاصلی نداشته است. مقامات کنونی آمریکایی بارها خود به این واقعیات اذعان کرده اند ولی کماکان تلاش می کنند با فرافکنی از واقعیات تاریخی فرار کنند.

۴. ایران با خودباوری و عقلا نیت در مذاکرات اخیر هسته ای نشان داد که حتی بحران های ساختگی را نیز می توان از طریق تعامل و گفتگو و بر مبنای احترام متقابل حل و فصل نمود. لذا مبانی و پایه های لرزان پروژه خطرناک و بی اعتبار ایران هراسی فرو ریخته و تلاش برای دمیدن روح تازه به آن در جهان و منطقه خریداری نخواهد یافت و تنها می تواند سودهای هنگفت برای فروشندگان تسلیحات مرگبار به بار آورد و منابع محدود منطقه و جهان را بجای مبارزه با فقر و جهل و بی عدالتی، برای خریدهای بی رویه تسلیحات نمایشی هدر دهد. حفظ گفتمان گذشته و تلاش برای راضی نگاه داشتن و خوشامد جنگ طلبان جز بارکردن هزینه بر مردم آمریکا، منطقه و جهان حاصلی نخواهد داشت.

۵. برای چندمین بار به مقامات ایالات متحده متذکر می شویم که جهان متمدن قریب به یک قرن است که گزینه استفاده از زور و تهدید به آن به عنوان ابزار سیاست خارجی را کنار گذاشته و آن را نه تنها غیر انسانی و غیرقانونی بلکه ناکارآمد می داند. تهدید به زور نقض مسلم قواعد آمره حقوق بین الملل است و مسئولیت بین

المللی به دنبال دارد، و به علاوه فایده ای جز هدر رفتن منابع و حیثیت ایالات متحده به دنبال نداشته و نخواهد داشت. مردم آمریکا و جهان حق دارند سوال کنند که جنگ های ایالات متحده در پنجاه سال گذشته چه منفعتی جز تحمیل هزینه های فراوان مالی و جانی و حیثیتی برای مردم آمریکا و ناامنی و بی ثباتی برای مردم جهان به دنبال داشته است. وقت آن است که این عادت خطرناک و مضر دیرین که مربوط به قرون ماضی است کنار گذاشته شود.

۶. خاطره حمایت ایالات متحده از کودتا، جنگ تحمیلی، استفاده صدام از سلاح شیمیایی، توهین های مقامات آمریکایی به ملت ایران، اتهامات بی اساس و تحریم های کور و غیرانسانی علیه این مردم و تداوم گفتمان بی خاصیت تهدید در حافظه تاریخی مردم ایران زنده است و گرنه این مردم با ملت آمریکا مشکلی ندارند. خوبست مقامات آمریکایی بجای تکرار برخی عبارات کلیشه ای به این واقعیت بیندیشند که انزجار از سیاست های غلط دولت های ایالات متحده منحصر به مردم ایران نیست و ایالات متحده نیازمند اصلاح سیاست هایی همچون حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین است که تنها آخرین نمونه این وحشی گری ها، سوزاندن یک کودک خردسال فلسطینی بود. اعلام انزجار مردم ایران و جهان اسلام از این سیاست ها طبیعی است و منحصر به مردم این منطقه نیز نیست و نباید دستاویزی برای اتهامات بی اساسی همچون یهودی ستیزی و یا ضدیت با مردم آمریکا قرار گیرد. اگر دولت آمریکا خواهان تغییر دیدگاه و شعارهای مردم ایران و جهان است، بهتر است به تغییر سیاست ها و رویکردهای خود فکر کند.

۷. دولت های قبلی آمریکا فرصت های مهمی را با باورهای غلط و آرزوهای خیالی به هدر داده اند و خوبست از این فرصت تاریخی برای به دست آوردن اعتماد ارزشمند مردم ایران که به دلیل دهه ها سیاست غلط و خصمانه ایالات متحده کاملاً تخریب شده است استفاده نمایند. مردم ایران با حضور حماسی خود در انتخابات اخیر نشان دادند

که تلاش برای ایجاد دو دستگی میان مردم و شکاف افکنی میان مردم و حاکمیت شکست خورده است. مردم ایران یک پارچه، هوشیار، مقاوم و بزرگ منش اند و در برابر تهدید، تحمیل و تحریم دلاورانه می ایستند و در برابر احترام و تکریم بزرگوارانه پاسخ می دهند. ده ها سال سیاست غلط در برابر مردم ایران آزموده شده و هیچ دستاوردی برای ایالات متحده نداشته است و اکنون فرصتی استثنایی برای اصلاح گذشته و آزمودن راه جدیدی است که تنها ظرف دو سال و علیرغم همه فراز و نشیب-ها و حتی برخی کجروی ها دستاوردی بزرگ برای همه صلح طلبان به بار آورده است. (پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه، ۹۴/۵/۱۵)

۸ در فاصله ده ساله پرونده ایران در شورای امنیت به صورت کامل رفع می شود و از دستور کار خارج خواهد شد. در قطعنامه جدید (۲۲۳۱) شورای امنیت محدودیت داریم اما در قطعنامه های قدیم ممنوعیت داشتیم. کشورها مجاز نبودند که در برنامه هسته ای ایران حضور داشته باشند اما اکنون کشورها تشویق می شوند که در برنامه هسته ای ایران حضور یابند. (روزنامه اطلاعات، ۹۴/۵/۱۸)

بررسی و تحلیل محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴، قطعنامه ۲۲۳۱ را با رأی مثبت همه ۱۵ عضو دائم و موقت به تصویب رساند که تمام کشورهای عضو سازمان ملل را موظف به اجرای مفاد توافق جامع هسته ای یا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می کند.

تصویب این قطعنامه در تاریخ شورای امنیت ملل متحد به سه دلیل منحصر به فرد و بی سابقه است. اول آنکه، شش قطعنامه تحریمی زیر فصل هفتم را بصورت یک جا لغو کرد. دوم، این قطعنامه نزدیک به ۱۷ صفحه ای دارای پیوست های مفصلی بالغ بر ۱۶۰ صفحه است که ویژگی های مهمی دارد که تا سالها میتواند موضوع بحث علمی محافل حقوق بین الملل و روابط بین الملل قرار گیرد. سوم، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای

امنیت توافق موسوم به برجام ۱۵۹ صفحه ای را به عنوان پیوست در بردارد که همراه نامه کشورهای ۵+۱ به شورای امنیت ارائه شده است.

با وجود آنکه محدودیت هایی در قطعنامه مذکور برای ایران پیش بینی شده است اما این محدودیت ها از لحاظ حقوقی به عنوان تحریم شناخته نمی شوند.

۱. خرید کالاهای دو منظوره

محدود شدن خرید کالاهای دو منظوره برای ایران بسیار اهمیت دارد زیرا در اینجا کالاهایی مورد نظر هستند که امکان دارد در صنعت نظامی هسته ای بکار گرفته شوند. اما باید در نظر گرفت فروش این کالاها در قطعنامه های قبلی مطلقاً ممنوع بود. اما در قطعنامه جدید از طریق یک نهاد حقوقی پیش بینی شده می توان این کالاها را در صورت تأیید آن نهاد، برای مصارف صنعتی خریداری کرد.

۲. خرید و فروش تسلیحات دفاعی

در قطعنامه ۲۲۳۱ در زمینه خرید و فروش تسلیحات، محدودیت هایی قید شده است. قطعنامه های قبلی شورای امنیت، خرید و فروش تسلیحات از سوی ایران و از سوی کشورهای دیگر به ایران را ممنوع کرده بود و به ویژه خرید تسلیحات کلان ممنوع شده بود. اما این قطعنامه ممنوعیت را به محدودیت ۵ ساله تبدیل می کند که اگر خرید و فروشی باشد از طریق کسب اجازه مورد به مورد توسط شورای امنیت صورت می گیرد. ضمن اینکه به دلیل خودکفایی ایران در زمینه تولیدات دفاعی کشور ما از نظر تامین نیازهای ضروری خود در پنج سال آینده با مشکل جدی روبرو نخواهد بود.

۳. محدودیت برای فعالیت موشکی ایران

بر اساس بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹، فعالیت های موشکی ایران به طور کامل ممنوع شده بود و برای تحقق این امر قطعنامه ۱۹۲۹ حتی به کشورها اجازه می داد که علیه ایران به زور متوسل شوند. ولی در قطعنامه جدید شورای امنیت از ایران می خواهد فعالیت

های موشکی که برای حمل کلاهک هسته ای طراحی شده یا می شود انجام نگیرد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران اساساً در برنامه اش فعالیت موشکی مرتبط با هسته ای نیست. نکته مهم دیگر اینکه شورای امنیت موضوع محدودیت در فعالیت های موشکی ایران را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل بیان نمی کند و فقط به عنوان یک خواسته آن را مطرح می کند. نکته کلیدی ایجاد محدودیت برای ایران در مورد ساخت موشکهای بلند برد است. درست است که ایران اساساً دنبال سلاح هسته ای نیست اما ایجاد محدودیت برای تولید موشکهای بلند برد قابل توجه به نظر می رسد. البته با در نظر گرفتن تعیین محدودیت هشت ساله برای این مورد به نظر می رسد چندان مشکل ساز نخواهد بود.

۴. برگشت پذیری تحریم ها

اگرچه موضوع بازگشت پذیری برای هر دو طرف در نظر گرفته شده است. اما اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکند شکایت احتمالی ایران در کمیسیون بررسی می شود که ایران در اقلیت است و از این نظر با محدودیت روبرو است. با این حال ایران می تواند با پذیرش تبعات آن برفرض آنکه بخواهند حق ایران را پایمال کنند به برنامه هسته ای خود در زمان آذر ۱۳۹۲ یعنی قبل از توافق ژنو بازگردد. البته این امکان برای طرف مقابل نیز وجود دارد در قطعنامه هم پیش بینی شده اگر نقضی هم از سوی ایران و هم کشورهای دیگر صورت گیرد می توانند به کمیسیون رفع اختلاف مراجعه کنند. البته برای این کار یک پروسه ۶۰ روزه در نظر گرفته شده است و این حق برای هر دو طرف است. پیچیدگی این فرایند و امکان تخلف طرف زورگو و بد سابقه مانند آمریکا تنها نگرانی است که از هم اکنون با برنامه ریزی صحیح باید مانع از آن شد که آنها بتوانند سوء استفاده کند. این برنامه ریزی دقیق می تواند با ثبت و ضبط و انتشار تدریجی اسناد و مدارک پشتیبان مذاکرات باشد تا مانع از تکرار بدعهدی ها شود.

۵. الزام آور بودن تعهدات ناشی از قطعنامه برای قوانین داخلی

از نظر حقوق بین الملل، اجرای قطعنامه های شورای امنیت الزام آور است اما طبعاً حقوق داخلی کشورها ممکن است به هر دلیل در تعارض با قوانین بین المللی قرارگیرد. در این مورد خاص ارجح دانستن قوانین داخلی بر توافق های بین المللی برای طرف های مقابل قابل پذیرش نیست. از نظر ایران تا وقتی روال قانونی برای اجرایی شدن توافق در کشورها طی نشود، توافق وین یا برجام قابل اجرایی شدن و عمل نیست و برای آمریکا و یا برخی کشورهای اروپایی هم همین طور است. بنابراین فاصله ۹۰ روزه آینده بسیار حساس و تعیین کننده است. در این فاصله کشورها باید این برنامه را در روال قانونی خود بررسی و تأیید کنند. در ایران نیز مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی امنیت ملی پس از بررسی دقیق محتوای توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۲ اعلام نظر خواهند کرد. به نظر می رسد با توجه به هماهنگی های قبلی برای تدوین چنین اسنادی نمی توان انتظار داشت در باره تصویب نهایی با مشکلات جدی روبرو شود.

گشایش های قطعنامه ۲۲۳۱ برای ایران به شرح ذیل است:

۱. خارج شدن از فصل هفتم منشور سازمان ملل بصورت کلی

برخلاف شش قطعنامه قبلی شورای امنیت که ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد به تصویب رسید این قطعنامه دیگر فعالیت های صلح آمیز ایران را به عنوان تهدیدی جهانی علیه صلح و امنیت تلقی نمی کند. بدین ترتیب که کلیات این قطعنامه ذیل فصل هفتم نیست اما چند پاراگراف آن به بند ۴۱ از فصل هفتم اشاره دارد، برای آنکه ضمانت اجرایی آن را تقویت کند. بنابراین اصل قطعنامه از ذیل فصل هفتم در عمل خارج شده است، اما به دلیل استناد مکرر به بند ۴۱ که ذیل فصل هفتم است هنوز نمی توان گفت بطور کامل ایران از ذیل فصل هفتم خارج شده است. این روند در ده سال

آتی طول خواهد کشید مگر آنکه گزارش مدیرکل آژانس در باره صلح آمیز بودن کامل برنامه هسته ای ایران زودتر از ده سال آینده تهیه و اعلام شود.

۲. ضمانت اجرایی توافق وین

این قطعنامه به بند ۲۵ منشور سازمان ملل تاکید می کند که بر اساس این بند اجرای قطعنامه های شورای امنیت برای همه اعضا الزام آور است. بدین ترتیب همه ۱۹۳ عضو سازمان ملل موظف هستند به اجرایی شدن قطعنامه ۲۲۳۲ کمک کنند. البته طبیعی است که اعضای سازمان ملل هر کدام فراخور منافع ملی خود با این قطعنامه هم مانند قطعنامه های دیگر رفتار می کنند. اما برای ایران این موضوع اهمیت دارد که توافق وین یک ضمانت اجرایی بین المللی کسب کند تا در صورت تغییر سران کشورهای گروه ۵+۱ بویژه در آمریکا نتوانند توافق بدست آمده را نادیده بگیرند.

۳. ممانعت از تخلفات احتمالی طرف های توافق

قطعنامه ۲۲۳۱ در واقع یک نقشه راه را تعریف می کند. طبق این نقشه راه همه موارد و اقداماتی که دو طرف باید انجام دهند مشخص شده و در محدوده مشخص زمانی مفاد این قطعنامه نیز لغو خواهد شد. بنابراین کمترجایی برای نقض تعهدات باقی گذاشته است. همچنین از ابتدا تا انتهای مسیری که در چارچوب برجام باید طی شود را در پیوست های قطعنامه مشخص می کند.

۴. به رسمیت شناختن غنی سازی ایران به صورت اختصاصی

در حالی که همه قطعنامه های قبلی علیه ایران در شورای امنیت خواستار توقف فوری فعالیت های غنی سازی ایران شده بود، اما در این قطعنامه فعالیت های غنی سازی ایران مورد پذیرش و حتی ادامه آن مورد تأیید قرار می گیرد. این موضوع بسیار مهمی است زیرا نشان می دهد مقاومت دوازده ساله مردم ایران به نتیجه رسیده است. (طالقانی، ۲۲/۵/۹۴، ۱۸)

در تاریخ شورای امنیت این امر بی سابقه است که برنامه غنی سازی یک کشور که در نزد دیگران و شورای حکام آژانس بین المللی انرژی هسته ای به صورت ویژه بررسی می شد، توسط این شورا تأیید شده باشد. بخصوص آنکه ایران با شش قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت دنیا معرفی می شد. جالب آنکه بر اساس بند ۲۷ این قطعنامه سایر کشورها از برخورداری از رویه حقوقی مربوط به ایران در زمینه حقوق هسته ای منع شده اند و این نشان می دهد که مقاومت مردم یک کشور، چگونه می تواند قدرتها را به تمکین خواسته های آن مردم وادار سازد.

۵. از بین بردن اساس رژیم تحریم ها

بر اساس قطعنامه جدید شورای امنیت، اساس رژیم تحریم ها و کمیته تحریم شورای امنیت از بین می رود. این موضوع اگرچه به تدریج انجام می شود اما دستاورد بسیار مهمی است. زیرا در واقع تمامی ساختارهای شکل گرفته در رابطه با تحریم ها در شورای امنیت و کمیته مربوط به اجرای تحریم ها بر اساس این قطعنامه حذف می گردند. همچنین بهانه برای تداوم تحریم های ناجوانمردانه خارج از قطعنامه های شورای امنیت برای آمریکا و متحدانش از بین برده می شود.

در مجموع می توان گفت اگرچه قطعنامه تصویب شده مطلوب ایران نیست اما بر اساس شرایط موجود و بر اساس مقدرات ایران این قطعنامه گشایش تازه ای در مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی و امنیتی با سایر کشورهای جهان محسوب می شود. نکته مهم دیگر اینکه باید توجه داشت این قطعنامه با همه مواردی که در آن است از لحاظ حقوق بین الملل مرزبندی مشخصی با توافق وین دارد. بنابراین اگر مواردی در قطعنامه باشد که در توافق نیامده باشد، نقض احتمالی قطعنامه توسط ایران به هر دلیل نقض توافق وین به حساب نمی آید. (بهشتی پور، ۹۴/۴/۲۹)

نتیجه گیری

چنانکه اشاره شد «سازش» با دشمن مستکبر در گفتمان استکبارستیزی در صورتی اتفاق افتاده است که جبهه حق از اصول و اهداف اصلی خود عقب‌نشینی کرده و تحمیل و زورگویی طرف مقابل را بپذیرد. در این مذاکرات جمهوری اسلامی با دستاوردها و دارایی‌های ناشی از «ایستادگی و مقاومت» و «مجاهدت‌های فرزندان غیور ملت» و در حالی که دشمن زیاده‌خواه از توانمندی‌هایش «مات» شده بود وارد صحنه مذاکرات شد. این «دست برتر جمهوری اسلامی» و «استیصال دشمن» «شروط پیروزی در این عرصه را تضمین کرد به طوری رهبریت انقلاب استدلال نمودند که "ما آن روزی که وارد این مذاکرات شدیم، دستاورد قابل قبول و مهمی داشتیم؛ احساس کردیم با دست قوی داریم وارد می شویم. دستاورد آن روز ما از جمله این بود که ما توانسته بودیم درحالی‌که همه قدرتهای هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز [تحقیقاتی] تهران بدهند ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، [بعد] این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه سوخت و از آن استفاده کنیم. طرف مقابل مات شد!... ما با این روحیه وارد مذاکره شدیم. راهبرد ایستادگی و تاب‌آوری در مقابل فشارها جواب داد. آمریکایی‌ها اذعان کردند که تحریم اثری ندارد... ما هم با این منطق، توکل کردیم و وارد مذاکره شدیم. (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۴/۲)

مقایسه این فضا با فضای سال ۸۲ تفاوت قدرت نظام اسلامی و برتری آن بر مستکبرین در میز مذاکره را شفاف‌تر می‌کند:

"امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه می زدیم سر دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند. جوانهای ما، دانشمندان ما، محققین ما، مسئولین ما همّت کردند، کارها را پیش بردند. (آیت اله خامنه ای، ۹۲/۸/۱۲)

در جمع‌بندی موضوع می‌توان گفت این مذاکرات موردی ذیل جهت‌گیری استکبارستیزانه و با توجه به دستاوردهای ایستادگی هسته‌ای و برای رسیدن به اهداف مدنظر نظام و «رفع شرّ شیطان» بوده است. استکبارستیزی به تصریح رهبر انقلاب اصل قطعی نظام اسلامی بوده است و بعد از مذاکرات هسته‌ای سیاست‌های کشور در مقابل دولت مستکبر آمریکا تغییری نخواهد کرد. نشانه‌های قدرت روزافزون ایران اسلامی و افول قدرت مادی و نامشروع مستکبران در این مناقشه چندساله به وضوح دیده شد و این نویدبخش «پیروزی نهایی جریان حق» در افق پیش‌روست.

فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان از دهه ۴۰ شمسی شروع شده است. ایران در زمره کشورهای پیشتار منطقه در زمینه هسته‌ای است به طوری که اولین راکتور هسته‌ای را در همین محل راکتور تحقیقاتی تهران ایجاد شد. در رژیم پهلوی، چشم‌اندازی بیست ساله در زمینه اجتماعی اقتصادی آغاز شد و پیش‌بینی کردند که کشور بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشد. پس از انقلاب اسلامی، این موضوع از اولویت خارج شد و آلمان و فرانسه پروژه‌های خود را رها کردند. هدف در گذشته هم تولید برق بوده است حتی در رژیم گذشته. پس از جنگ تحمیلی، نظام تصمیم به بازگشت به فعالیت‌های هسته‌ای گرفت و اعلام شد راه‌اندازی نیروگاه بوشهر باید انجام شود و مقام معظم رهبری هم اشاره کردند که ما باید به بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای برسیم. پس هدف ما یک هدف صلح‌آمیز برای تولید برق و در کنار آن صنعت و کشاورزی بوده است. این هدف صلح‌آمیز یک دوره قبل از انقلاب، یک دوره بعد از انقلاب و یک دوره پس از توافق وین تقسیم‌بندی می‌شود.

شاید برای اولین بار پس از قطع رابطه ایران و آمریکا در اوایل دهه ۸۰، افق‌های واقعی برای تغییرات بنیادین میان این دو کشور نمایان شده است. رئیس‌جمهور آمریکا، باراک اوباما، برای مذاکره بی‌قید و شرط اظهار تمایل کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران نیز از مذاکره استقبال کرده و هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری ایران

در دوره دهم نیز در دوره رقابت های انتخاباتی، تلاش کردند تا ثابت کنند موثرترین طرف گفتگو خواهند بود. اگرچه تعامل غرب و سیستم سیاسی و تصمیم گیری پیچیده آن، همگی روی پرونده هسته‌ای ایران متمرکز شده است و به نظر می رسد که عادی سازی کامل روابط شاید در حال حاضر میسر نباشد، اما فرصت و امکانی برای ایجاد دیدگاه های واقع بینانه وجود دارد تا عرصه هایی از منافع دوجانبه را گسترش دهد.

سألهای متمادی تحریم، فشار و تهدیدهای بین المللی، جریان غنی سازی را کند نکرده است. به علاوه سایر ابعاد و جنبه‌های سیاست امریکا، نفوذ ایران را در افکار عمومی دنیا افزایش داده و روابطش را با سوریه، حماس و حزب الله تقویت کرده است. این سیاست نه فقط شکست خورده، بلکه نتایجی کاملاً معکوس به بار آورده است. برخی معتقدند که امریکا باید شیوه رفتار و نوع نگرش خود را نسبت به ایران، نقش منطقه ای آن و رویاهایی را که در سر دارد، تغییر دهد. اینکه ایالات متحده از هرگونه تلاش برای تغییر رژیم در ایران دست بردارد؛ به یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران احترام بگذارد، و بالاخره مشروعیت نقش منطقه ای ایران را بپذیرد. (پرکویچ، ۱۳۸۴: ۷۱)

توافقنامه‌ای که در ژنو و وین انجام شد دارای پارامترهای مثبت و منفی بود. در اینجا به دستاوردهای مثبت توافقنامه می پردازیم. یکی از مهمترین دستاوردها، پذیرش حق غنی سازی برای ایران بود. در چند سال اخیر بحث هایی وجود داشت مبنی بر اینکه میزان غنی سازی در ایران بیشتر شده و باید مقدار آن کاهش یابد و یا سوخت مورد نیاز ایران را کشورهای دیگر باید بدهند و پس از استفاده ایران باید خاکستر سوخت را بازگرداند و یا اینکه گفته می‌شد اورانیوم غنی شده توسط جمهوری اسلامی در خود ایران باقی خواهد ماند. هر چند که ایران برای اطمینان بخشی به طرف مقابل پذیرفت که نیمی از این اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی برای تولید سوخت رآکتور تهران به اکسید ۲۰ درصد تبدیل شود و مابقی اورانیوم ۲۰ درصدی به مواردی کمتر از

۲۰ درصد رقیق شود با اینحال خارج نشدن حتی ۱ گرم از اورانیوم غنی شده در ایران موفقیت بزرگی است.

دستاورد دیگر این توافقنامه در رابطه با تحریم‌ها است. طی این مدت تحریم‌های بزرگی بر ما اعمال شده بود. دور از تصور نبود که نفت اندکی را هم که صادر می‌کردیم به صفر برسانند. نه تنها این کار را نکردند بلکه بر اساس این توافق سه تحول عمده در زمینه تحریم‌ها اعمال شد. نخست آنکه اعلام شد در مدت زمان ۶ ماهه؛ شورای امنیت، آمریکا و اروپا تحریم‌های جدیدی علیه ایران تصویب نخواهد شد. تحریم‌های بزرگتری که مد نظر داشتند ملغی شد.

دوم آنکه بخشی از تحریم‌هایی که مربوط به پتروشیمی، فلزات گرانبها و بخشی از تحریم‌های مالی هم برداشته شد. مهم‌تر از همه اینکه در متن آورده شد که هدف راه حل جامع (بعد از ۶ ماه) شامل یک فرایند متقابل و قدم به قدم است که بایستی به رفع تمامی تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چند جانبه و تحریم‌های ملی که به برنامه هسته‌ای ایران مربوط می‌شود منجر شود.

دستاوردهای بزرگتری هم که مستقیم به مسئله هسته‌ای مربوط نمی‌باشد از توافقنامه حاصل شده؛ و آن این است که ما توازنی در گفتگوهای دیپلماتیک بدست آورده‌ایم. غیر ممکن بود کشوری در تحریم بزرگی قرار بگیرد، اما بتواند با ۶ کشور دیگر صحبت کند. شش کشوری که اکثر آنها قدرتهای جهانی هستند. حتی به نحوی که وزیر خارجه آمریکا بگوید طرف ایرانی به ما تشر زد، داد زد و تا به حال کسی با ما اینطور صحبت نکرده بود. این نشان دهنده آن است که ما در مذاکرات قوی برخورد کردیم، روی اصولمان ایستادگی کردیم، منافع طرف مقابل را هم در نظر گرفتیم اما در درجه اول منافع خودمان را در نظر گرفتیم و به هیچ عنوان احساس نشده که در این مذاکرات طرف ایرانی تحقیر شده، کوتاه آمده و چیز بزرگی را از دست داده است.

دستاورد دیگر یک نوع بی اعتمادی است که برخی از کشورهای غربی نسبت به امریکا ایجاد کردند. البته ممکن است مستقیماً به ما مربوط نباشد اما همین بی اعتمادی سبب خواهد شد که توطئه کمتری علیه ما صورت گیرد.

دستاورد مهم دیگر این است که دولت صهیونیستی و نتانیاهو هر چه تلاش کردند که این توافقنامه به شکست بیانجامد نتوانستند اقدامی انجام دهند. این خود نشان دهنده آن است که وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی در همین مدت کوتاه بالا رفته است. وقتی وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه بالا می رود در سطح جهان، وزن ژئوپلیتیکی رقبای و دشمنان جمهوری اسلامی پایین می آید.

حتی در وضعیت متحدین ایران در منطقه مثل لبنان، حزب الله و حتی سوریه تاثیرگذار بود. در مورد سوریه آمریکا مانند سابق فشار وارد نمی کند. حزب الله بعد از این توافق نامه شادمانی خود را از روندی که جمهوری اسلامی در پیش گرفته نشان داد. همچنین بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بعد از این توافقنامه شکاف بوجود آمد. همین امر سبب شد عمان اجازه ندهد ستاد مشترک یا ارتشی مشترک که سعودی‌ها می‌خواستند تشکیل دهند شکل بگیرد. قطر نیز به عمان پیوست. قطریها که با سعودیها سالهاست رقابت دارند مانند عمان، خود را تا حدودی به ایران و متحدین ایران مثل حزب الله و سوریه نزدیک می‌کنند. در حال حاضر حساسیت خاصی بین قطر و عربستان و از طرفی بین عمان و عربستان هم ایجاد شد. می توان شکاف در شورای همکاری خلیج فارس را آخرین دستاورد نامید. (فرجی راد، ۹۳/۱/۱۷)

همچنین پس از توافقنامه برجام، هیات‌های بسیاری از کشورهای اروپایی شامل فرانسه، آلمان، ایتالیا و ... به ایران آمدند که در مقایسه با ۸ سال گذشته که رفت و آمد ما تنها با ونزوئلا، گامبیا و بعضی از کشورهای درجه ۳ آمریکای لاتین بود، نشان دهنده آن است که توافقنامه، وزن ژئوپلیتیکی ایران را بالا برده است. تصمیم برای لغو تحریمهای ایران از سوی سوئیس به منظور حمایت از توافق جامع هسته ای و پیگیری

روند اجرایی شدن آن و نشان دادن اطمینان این کشور اروپایی به اهداف سازنده طرفهای مذاکره کننده، اجرایی می شود. دولت سوئیس عنوان کرده که برجام دورنما و فصل تازه ای از روابط دو جانبه سیاسی و اقتصادی با ایران را رقم می زند بزرگترین معامله گران نفت جهان شرکتهای نظیر ویتول، گلنکور و ترفیگورا سوئسی هستند. (خبرگزاری میزان، ۹۴/۵/۲۲)

حقوقدانان معتقدند سندی که در چارچوب برجام تنظیم شده منعطف و از نوع حقوق نرم است و از نوع حقوقی است که قالب الزام آور دارد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم یک قطعنامه الزام آوری است که برای همه اعضاست و سند حقوقی بین المللی است که محتوایی منعطف دارد. لذا عمده ترین ویژگی برجام، نحوه الزام آور بودن آن در حقوق بین الملل است به طوری که منضم به یک قطعنامه شورای امنیت است که تحت فصل هفتم صادر گردیده و برای کلیه اعضا لازم الاتباع است. (قنبری جهرمی، ۹۴/۵/۲۲، ۱۸)

از سوی دیگر، برخی از تحلیلگران معتقدند که دکترین سیاست خارجی اوباما، مانند سلف دموکراتش کارتر، بر اصل «مهار ایران» استوار است. موضوع مهار ایران را نیکلاس برنز، که در فاصله سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ در دولت جرج بوش، معاون وزیر امور خارجه آمریکا بود و هدایت مذاکرات هسته ای با ایران را برعهده داشت، در تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۱۵ این گونه بیان می کند: "باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا و جانشین او و یا حتی جانشین رئیس جمهور بعد از اوباما، باید تلاش کنند قدرت ایران را در منطقه مهار کنند. بنابراین ما باید قدرت دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی خود را برای انسداد ایران در شرایط فعلی و مهار قدرت این کشور در منطقه در سالهای آینده به کار بریم. استراتژی مؤثرتر و هوشمندانه تر، فشار به آنها از طریق مذاکرات است." (www.hks.harvard.edu)

بنابراین از نگاه آمریکایی‌های دموکرات نیز قدرت منطقه‌ای ایران بایستی مهار شود. نگاهی به تضمین‌های امنیتی اوباما در نشست کمپ‌دیوید به کشورهای منطقه، نشان‌دهنده همین مسئله است که محوریت ترتیبات منطقه‌ای با موضوع «تهدید ایران» کماکان جزء سیاست مهار آمریکا محسوب می‌شود. این همان چیزی است که بن رودز، معاون مشاور امنیت ملی اوباما، در مصاحبه مطبوعاتی روز ۲ سپتامبر ۲۰۱۵ بر آن تأکید کرد که "رئیس‌جمهور تلویحاً گفته است آمریکا متعهد به امنیت عربستان و کشورهای خلیج فارس و مقابله با رفتارهای ایران خواهد بود" (www.whitehouse.gov). آمریکا در منطقه از دیرباز دکترین بازدارندگی استراتژیک را در برابر ایران اعمال کرده بود. در دولت اوباما نیز سند موسوم به «بازنگری آرایش هسته‌ای»، که یک سند امنیت ملی است، تهیه و تنظیم شد. در این سند، از بازدارندگی متعارف و نامتعارف علیه ایران صحبت شده است.

در ادامه همین دکترین بازدارندگی است که اوباما در ۵ آوریل ۲۰۱۵ و بعد از بیانیه لوزان، در مصاحبه‌ای تحت عنوان «ایران و دکترین اوباما» با «نیویورک‌تایمز»، توضیح می‌دهد که بودجه دفاعی ایران سی میلیارد دلار است و بودجه دفاعی ما نزدیک به ششصد میلیارد. ایران می‌داند که نمی‌تواند با ما مبارزه کند... دکترین (من) این است: ما تعامل می‌کنیم، اما همه ظرفیت‌هایمان را هم حفظ می‌کنیم... می‌گویند ایران کنترل‌ناپذیر است. این‌طور نیست. تمام گزینه‌ها را حفظ کرده‌ایم... ساده‌لوح هم نیستیم... کسی چه می‌داند، ایران ممکن است تغییر کند و اگر این اتفاق نیفتاد، توانایی‌های بازدارندگی و برتری نظامی ما همچنان سر جایشان هست."

(www.nytimes.com)

در کنار دو دکترین یادشده، دولت اوباما راهبردهایی را نیز به‌منظور دستیابی به اهداف کلان خود مدنظر قرار داده است. راهبرد نانوشته "بازیگر شرمنده" یکی از راهبردهایی است که به‌وسیله آن تلاش می‌شود رفتارهای ایران در سطح داخلی،

منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌گونه‌ای به نمایش گذاشته شود که ایران در سطح منطقه و بین‌الملل، از اعمال و اقدامات خود «شرمنده» شود تا همین موضوع به‌مرور موجبات «تغییر رفتار» ایران را فراهم کند. غربی‌ها و به ویژه مقامات آمریکایی به‌دنبال القای این مسئله هستند که ایران و غرب درخصوص برخی مسائل منطقه‌ای مثل مبارزه با داعش، منافع مشترک دارند. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا ضمن بیان اینکه «با لاوروف مذاکره خواهیم کرد تا بینم ایرانی‌ها آماده‌اند چه نقشی در ماجرای داعش ایفا کنند» و بیان اینکه «ما می‌خواهیم مشارکت سعودی‌ها و ترک‌ها را جلب کنیم و در نهایت، احتمالاً بینیم ایرانی‌ها آماده‌اند چه نقشی ایفا کنند» (www.reuters.com) به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده به نقش ایران اشاره کرده است. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان؛ در نشست خبری در برلین در ۳۱ آگوست ۲۰۱۵، با استقبال از حضور ایران در ائتلاف ضد داعش و مبارزه با این گروه تروریستی، اظهار داشت: «به گمان من، ایران نفوذ قابل ملاحظه‌ای در آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد، دارد و همه از حضور سازنده ایران در مذاکرات سوریه استقبال می‌کنند.» (uk.reuters.com/article)

در گزارش مشروح کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی که در مهرماه سال ۱۳۹۴ ارائه گردید به نقاط مثبت و منفی برجام به طور تفصیلی و مشروح پرداخته شد. در اینجا به برخی از نکات منقدین برجام با استناد به متن گزارش کمیسیون ویژه به اختصار می‌پردازیم:

- ۱- قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی قبل از تصویب برجام در مجلس. ۲- استثناء شدن ایران از معاهده NPT برای ۱۵ سال. ۳- حفظ زیرساخت قانونی تحریم‌ها. ۴- ایجاد مشکل برای صنایع و ممانعت از پیشرفت ایران در علوم مختلف. ۵- امکان دسترسی به تاسیسات نظامی ایران در متن برجام. ۶- حفظ تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران. ۷- تحریم‌های کنگره و ایالات آمریکا و اتحادیه اروپا صرفاً تعلیق می‌شوند. ۸- ایران کشوری مستثنا در حقوق، تکالیف و بازرسی هسته‌ای محسوب

می گردد. ۹- تعهدات ایران روشن و صریح اما تعهدات سایر طرفها پیچیده و دچار آسیب های جدی است. ۱۰- توافق برجام هیچ گونه ضمانت اجرائی حقوقی و قانونی ندارد. ۱۱- هیچ مرجعی برای راستی آزمایی انجام تعهدات طرفهای مذاکره ایران در نظر گرفته نشده است. ۱۲- برجام، برنامه هسته ای ایران را بدون دورنمای روشن در آینده، در یک تعلیق حداقل ده ساله و بلندمدت فرو می برد. ۱۳- ایجاد محدودیت مشخص در همه ابعاد تحقیق و توسعه و کندشدن مسیر تحقق برنامه صنعتی غنی سازی می باشد. ۱۴- مکانیسم های داوری مندرج در قطعنامه و برجام عامدانه بر ضد ایران تنظیم شده است.

۱۵- تعهد دولت به اجرای پروتکل از روز اجرای برجام برخلاف مصوبه مجلس است. در حالی که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ اجرای همه اقدامات داوطلبانه از جمله پروتکل الحاقی توسط دولت را ممنوع می کند و بند دوم قانون «الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته ای ملت ایران» مصوب تیرماه ۱۳۹۴ نیز منحصراً نظارت های ذیل پادمان (NPT) را مجاز دانسته و هرگونه نظارتی فراتر از آن را ممنوع دانسته است، دولت در برجام متعهد شده است که پروتکل را از روز اجرای توافق به نحو داوطلبانه اجرا نماید.

۱۶- بیان لغو شش قطعنامه قبلی شورای امنیت در بند ۷ و ۸ قطعنامه ۲۲۳۱ از نقاط خوب نتایج مذاکرات و این قطعنامه است؛ با توجه به بند ۱۲ این قطعنامه و امکان بازگشت پذیری همه قطعنامه های قبلی با هر بهانه ای، کمیسیون آن لغو را نه لغو کامل که «لغو مشروط» یا «تعلیق قطعنامه های گذشته» استنباط می کند.

۱۷- ایران در طول اجرای توافق صرفاً اجازه خواهد داشت از قریب به ۱۰ تن ذخایر موجودش حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم اورانیم غنی شده را به شکل UF6 حفظ کند. این امر می تواند برنامه هسته ای ایران را از شتاب لازم بیندازد و ایران اسلامی را با

بهانه جویی های آمریکا و هم پیمانانش از مهمترین سرمایه اش در توسعه این صنعت محروم نماید.

۱۸- تحریم سوئیفت در خصوص نهادهای خارج شده از لیست انسداد دارایی ها مرتفع شده و این محدودیت از نهادهای اصلی کشور مثل بانک مرکزی، بانک ملت، بانک تجارت و برخی دیگر بانکها در روز اجرا رفع خواهد شد که موضوع بسیار مثبت ارزیابی می شود؛ لکن زیرساخت قانونی تحریم سوئیفت تا روز انتقال - هشت سال پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ - باقی خواهد ماند و در تاریخ مذکور نیز صرفاً تعلیق - و نه لغو - خواهد شد.

۱۹- مؤسسات مالی خارجی به شرطی از شمول تحریم های مالی ثانویه آمریکا خارج می شوند که میزان خرید نفت خام از ایران به صورت پیوسته در حال کاهش باشد و این به معنای مانع تراشی برای انتقال وجوه حاصل از فروش نفت خام ایران خواهد بود.

۲۰- اصل تناظر در انجام تعهدات دو طرف در برجام به طور کامل رعایت نشده و اقدام واقعی از سوی ۵+۱ در زمینه تعلیق تحریم ها به انجام تعهدات ایران و راستی آزمایی آن از سوی آژانس موکول شده است.

در ۱۹ مهرماه ۱۳۹۴، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بررسی کلیات طرح اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی ایران در اجرای برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و ۵+۱ پرداختند و در نهایت کلیات طرح برجام را با ۱۳۹ رای موافق و ۱۰۰ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع از ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه تصویب کردند. جزئیات برجام با ۱۶۱ رای موافق، ۵۹ رای مخالف و ۱۳ رای ممتنع تصویب شد. همچنین پس از تصویب مجلس، سخنگوی شورای نگهبان هم اعلام کرد که طرح اقدام متناسب و متقابل دولت در اجرای برجام با اکثریت آراء مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشده است. (خبرگزاری رجانیوز، ۹۴/۷/۲۲)

منابع:

- پرکویچ، جورج (۱۳۸۴)، "پرونده هسته ای ایران (۲)"، ترجمه افسانه احدی، تهران، موسسه ابرار معاصر
- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۷)، برنامه هسته ای ایران: واقعیت های اساسی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (پاییز ۱۳۸۹)، "آمریکا و پرونده هسته ای ایران" دانشنامه، شماره ۷۸. بولتن الکترونیکی پایش اخبار و تحولات سیاسی ایالات متحده آمریکا (مرداد و شهریور ۱۳۹۴)، شمارگان ۵۸ و ۵۹.
- بهشتی پور، حسن (۹۴/۴/۲۹)، "بررسی و تحلیل محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت: گشایش ها و محدودیت ها"، وبگاه شخصی بهشتی پور.
- "توافق هسته ای ایران یک پیروزی دیپلماتیک بود/ چرایی نگرانی اعراب"، خبرگزاری صد خبر، مرداد ۱۳۹۴.
- حسینی، مهدی (۱۳۸۴)، "آمریکا و برنامه هسته ای ایران"، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۰.
- طالقانی، حسین (۹۴/۵/۲۲)، "دنیای حق هسته ای ایران را به رسمیت شناخت"، روزنامه ایران. خوش اندام، بهزاد (۱۳۸۶)، "واکنش ایران به رژیم بین المللی و منع اشاعه سلاح های کشتار جمعی"، پژوهشنامه خلع سلاح، سال اول، شماره دوم.
- مهاجرنیا، محسن (شهریور ۱۳۸۳)، "ایران و دیپلماسی هسته ای"، نگاه حوزه، شماره ۱۴۲.
- فرجی راد، عبدالرضا (۹۳/۱/۱۷)، "توافق ژنو و پیامدهای آن"، پایگاه خبری - تحلیلی امید هسته ای ایرانیان.
- قامت، جعفر (پاییز ۱۳۸۷)، "ایران هسته ای و پیامدهای منطقه ای آن" فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، سال اول، شماره چهارم
- قنبری جهرمی، محمدجعفر (۹۴/۵/۲۲)، "ارزیابی توافق هسته ای با معیارهای حقوق بین الملل"، روزنامه ایران.
- پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه، ۹۴/۵/۱۵
- خبرگزاری ایرنا، ۹۴/۵/۱۲

خبرگزاری فارس، ۹۴/۴/۲۴

خبرگزاری میزان، ۹۴/۵/۲۲

روزنامه اطلاعات، ۹۴/۵/۱۸

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱/۱

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۴/۳۰

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲۹

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۲۰

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۲۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۲۰

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۴/۲

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۴/۲۰

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۴/۲۷

سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۲۰

<http://www.hks.harvard.edu/news-events/news/testimonies/nicholas-burns-testifies-july-29-2015>

<https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2015/09/03/press-call-ben-rhodes-deputy-national-security-advisor-strategic>

<http://www.nytimes.com/2015/04/06/opinion/thomas-friedman-the-obama-doctrine-and-iran-interview.html>

<http://uk.reuters.com/article/2015/08/31/>

<http://www.reuters.com/article/2015/07/24/>

